

فصلنامه علمی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره پنجاه و نهم، زمستان ۱۳۹۹: ۱۵۱-۱۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل رمان‌های شاخص عصر پهلوی با رویکرد

به نشانه‌های زوال و مفسد اجتماعی

* کامران پارسی‌نژاد

** شهناز صداقت‌زادگان

*** پروانه دانش

چکیده

«ادبیات داستانی» پیوند اندام‌واری با جامعه و بالطبع «علم جامعه‌شناسی» دارد. یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در ادبیات داستانی، توصیف جامعه، انعکاس شرایط و آسیب‌های اجتماعی است. پژوهش حاضر که در گونه «جامعه‌شناسی ادبیات» قرار می‌گیرد، به منظور تحلیل و تبیین مقوله «زوال و مفسد اجتماعی» در عصر پهلوی انجام شده است. شاخص‌ترین مفسد اجتماعی در دوره پهلوی، پدیده تن‌فروشی بوده است که همچنان یکی از بزرگ‌ترین مسائل اجتماعی ایران به حساب می‌آید. یکی از شخصیت‌ها و تیپ‌های مطرح در رمان‌های آن دوران، «زن روسپی» بودند. شرایط زندگی، مصائب، باورها و علل روسپی شدن آنها در بستر رمان‌های زمانه به شدت در آن زمان درشت‌نمایی شده است. در واقع نویسنده‌های آن دوران تمام تلاش خود را مصروف تشریح شرایط اجتماعی-سیاسی حاکم و مفسد اجتماعی کرده‌اند. در عین حال سعی کرده‌اند تا میان مخاطب و روسپیان، رابطه حسی برقرار کنند. در این پژوهش، شاخص‌ترین رمان‌هایی که در دوره پهلوی اول و دوم در ارتباط با زوال و مفسد اجتماعی خلق شده‌اند، از جنبه ادبی و جامعه‌شناختی

* نویسنده مسئول: کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران Kpsh42@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران sedaghatzadegan@pnu.ac.ir

*** دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران p_danesh@pnu.ac.ir



واکوی شده‌اند. جامعه مورد بررسی در این تحقیق، انواع افراد فاسد در جامعه هستند که مسبب اصلی بروز فحشا و مفسد اجتماعی می‌باشند. در این راستا هفت رمان مطرح و تأثیرگذار خلق شده در دوره پهلوی بررسی شده است تا ضمن دست یازیدن به حقایق اجتماعی دوران مورد نظر، وضعیت افراد فاسد به دقت و با ریزبینی مورد تحلیل ادبی و جامعه‌شناسی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: مفسد اجتماعی، دوره پهلوی، تحلیل محتوا، رمان اجتماعی و روسپیان.



مقدمه

هدف اصلی این تحقیق، تحلیل رمان‌های شاخص عصر پهلوی با رویکرد به نشانه‌های زوال و مفاسد اجتماعی است. هدف فرعی آن، تصویرسازی آشکار اوضاع سیاسی و اجتماعی دوره پهلوی و نوع ارتباطشان با مفاسد اجتماعی، خاصه روسپی‌گری، به روایت رمان‌نویسان است. مفاسد اجتماعی از دوران کهن در تمامی جوامع بشری وجود داشته و در سرزمین‌هایی چون بابل، یونان، روم، ایران باستان، هند، چین و... رایج بوده و از دیرباز به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی و انحرافات بشری شناخته شده است. در ارتباط با زوال و مفاسد اجتماعی، خاصه انحراف زنان، برخی از صاحب‌نظران جامعه‌شناس و روان‌شناس چون هارولد گرین والد^۱، آنتونی گیدنز^۲، رابرت کی مرتون^۳، اچ کاپلان^۴، بی‌سادوک^۵، تالکوت پارسونز^۶، هاردمن و ابینگه‌اوس، نظریه‌های مهم و تأثیرگذار خود را مطرح کرده‌اند (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۸: ۱۶-۱۷). اما تاکنون هیچ پژوهش و تحقیقی در ارتباط با این پدیده اجتماعی در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات انجام نپذیرفته است. از جمله، آثار داستانی دوره پهلوی که به مفاسد اجتماعی توجه نشان داده‌اند، مورد نقد قرار نگرفته‌اند. بر این اساس پژوهش پیش رو، بدیع و تازه‌نفس است. در این راستا پرسش‌های بسیاری درباره علل بروز مفاسد اجتماعی در دوره پهلوی مطرح است که با بررسی رمان‌های شاخص آن دوران سعی می‌شود تا به تحلیل آنها بپردازیم.

در این مقاله تلاش می‌شود به این سؤالات پاسخ داده شود: در رمان‌های اجتماعی دوره پهلوی، جامعه و سیاست چه تأثیری بر پدیده روسپی‌گری داشته است؟ آیا حکومت پهلوی و صاحب‌منصبان قدرتمند آن دوران درصدد ترویج فحشا و فساد اجتماعی بوده‌اند؟ آیا افراد قدرتمند و بانفوذ، خود میدان‌دار فساد و فحشا بوده‌اند و از قدرت خود برای عیش و طرب استفاده می‌کرده‌اند؟ آیا قانون، دستگاه‌های قضایی و دولتی از دختران کم‌تجربه و بی‌گناهی که اغفال می‌شدند و به دلیل شرایط خاص فرهنگی، راهی جز تن‌فروشی پیش رویشان نبوده، حمایت می‌کردند؟

1. Harold Green Wald
2. Anthony Giddens
3. Robert.k. merton
4. Kaplan.H
5. SadocK. B
6. Talcott parsons

یکی از پرتنش‌ترین دوران تاریخی ایران، دوره پهلوی است که اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور دچار تحول و دگردیسی عظیمی می‌شود. بازتاب و پیامدهای تحولات بزرگی چون مدرنیته رضاشاه همچنان در جامعه امروز ما قابل حس است. یکی از مسائل اجتماعی دوره پهلوی، بروز زوال و مفاسد اجتماعی است که در آن دوران خاص، شکل و شمایل دیگری نسبت به دوره‌های پیشین پیدا می‌کند. از این‌رو آگاهی و شناخت این پدیده در دوره پهلوی، ارزش و اهمیت بسزایی دارد. جدای از آن، بررسی رمان‌های یادشده کمک می‌کند تا برای مقابله با مسائل اجتماعی به رهنمودهای کاربردی دست یافت. اما از آنجایی که ساختار و اسکلت‌بندی رمان از حقیقت و تخیل بنا شده است، برای تمییز دادن میان حقیقت و تخیل صرف نویسنده باید به تحلیل محتوا روی آورد. اوضاع سیاسی و اجتماعی زمانه به باور این نویسندگان در بروز مفاسد اجتماعی تأثیرگذار بوده است. رمان‌هایی که در این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفتند، عبارتند از:

- تهران مخوف: نوشته مرتضی مشفق کاظمی، سال انتشار ۱۳۰۱
- روزگار سیاه: نوشته عباس خلیلی، سال انتشار ۱۳۰۳
- تفریحات شب: نوشته محمد مسعود، سال انتشار ۱۳۱۱
- زیبا: نوشته محمد حجازی، سال انتشار ۱۳۱۲
- باشرف‌ها: نوشته عماد عصار، سال انتشار ۱۳۲۵
- فاحشه: نوشته جواد فاضل، سال انتشار ۱۳۳۲
- معصومه شیرازی: نوشته سید محمد علی جمالزاده، سال انتشار ۱۳۳۳

این تحقیق برای بسیاری از رشته‌های علوم انسانی چون علوم اجتماعی، تاریخ، علوم سیاسی و ادبیات مفید است زیرا ارتباط مستحکمی میان رشته‌های علوم انسانی وجود دارد و بی‌شک میان رویدادهای مختلف سیاسی، اجتماعی، تاریخی در این برهه از زمان، همبستگی و ارتباط تنگاتنگی وجود دارد که تکمیل‌کننده یکدیگر هستند. برای دست یافتن به حقیقت مفاسد اجتماعی، داشتن آگاهی از علل و عوامل روسپی شدن زنان و تأثیری که اوضاع سیاسی- اجتماعی بر این پدیده می‌گذارد، ارزشمند است. هرچند این اطلاعات بر اساس تحقیق میدانی نیست و صرفاً بیان نظرها و باورهای جمعی نویسنده آن دوران است که بیش از آنکه رمان‌نویس باشند، جامعه‌شناس هستند.

چارچوب نظری و روش تحقیق

تحقیق مدنظر «کیفی» از نوع «تحلیل محتوا» و کتابخانه‌ای است که طی آن، با مطالعه و واکاوی رمان‌های منتخب دوره پهلوی، زوال و مفاسد اجتماعی تحلیل می‌شود. قابل ذکر است که «پژوهش تحلیل محتوا» در برگیرنده شیوه‌های چندگانه‌ای است که نسبت به موضوع مورد نظر خود رویکردی تفسیری^۱ و طبیعت‌گرایانه^۲ دارند. این شیوه پژوهش، پدیده‌ها را در محیط طبیعی خود مطالعه می‌کند و بر اساس معنایی که مردم به آنها می‌دهند، تحلیل می‌کنند (حریری، ۱۳۹۶: ۲). پژوهش کیفی به جای اعداد بر کلمات تأکید دارد (Maxwell, 1996: 17). این بدان معناست که یافته‌های حاصل از این پژوهش از طریق روش‌های آماری به دست نمی‌آید. تحلیل محتوا بر اساس یک نظریه خاص شکل نمی‌گیرد و جمع وسیعی از نظریه‌ها و اصطلاحات را می‌تواند به کار گرفت. در تحلیل محتوای مفاسد اجتماعی، داده‌ها به واسطه رمان‌های دوره پهلوی به دست آمده است. سپس سعی شده تا مفهوم‌سازی صورت پذیرد، حجم داده‌ها کاسته شود و بر اساس ویژگی‌های مشترک، مضامینی در ارتباط با مفاسد اجتماعی مشخص شود. سپس میان داده‌ها، پیوند اندام‌واری برقرار شده است. در این شیوه به معانی، باورهای نویسندگان و ادراکات طرح‌شده توجه شده است. در این راستا معانی هر رویدادی که به ارتباط رویدادهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی با مفاسد اجتماعی پرداخته، درک شده است.

پیشینه تحقیق

مسئله زوال و مفاسد اجتماعی در وادی علم جامعه‌شناسی را افراد مختلفی ارزیابی کرده‌اند؛ آنچنان که درباره شکل‌گیری مفاسد اجتماعی و ترویج فحشا در ایران، برخی پژوهشگران جامعه‌شناس چون مرتضی راوندی (تاریخ اجتماعی ایران)، سعید مدنی قهفرخی (جامعه‌شناسی روسپی‌گری)، ویلم فلور (تاریخ اجتماعی روابط سکسی در ایران)، لیلا متعارفی (مطالعه ساختار جامعه روسپیان از زمان تشکیل حکومت قاجار در تهران)، طلعت

1. Interpretive
2. Naturalistic

تازیکی (مطالعه جامعه‌شناختی پدیده روسپی‌گری در بین زنان و دختران آسیب‌دیده)، رقیه بهاری (سرمایه اجتماعی و انواع روسپی‌گری) و... به تحقیق و پژوهش پرداخته‌اند. اما تاکنون در ایران تحقیق جامع و کاملی در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات (علوم بین‌رشته‌ای ادبیات و جامعه‌شناسی) در ارتباط با مفاسد اجتماعی نشده است. بالطبع در ارتباط با روسپی‌گری در رمان‌های دوره پهلوی نیز تاکنون تحقیقی انجام نشده است.

تحقیق حاضر در نوع خود منحصر به فرد، بدیع و تازه است. تنها در برخی کتب ادبی و چند رساله چون «صد سال داستان‌نویسی» میرعابدینی و با ذکر خلاصه داستان‌ها شاهد اشارتی کوتاه بر این مسئله هستیم و نیم‌نگاهی هم به اوضاع اجتماعی و سیاسی زمانه شده است. دو پایان‌نامه در مقطع کارشناسی‌ارشد با عناوین «سیمای اجتماعی زن در رمان‌های اجتماعی ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰» نوشته مریم معاون هاشمی (۱۳۸۹) و «بررسی سیمای اجتماعی زن در رمان‌های تاریخی ۱۳۲۰-۱۳۴۰» نوشته سیما حیدری لادمخی (۱۳۹۶) وجود دارد که آنچنان با پژوهش حاضر همخوانی ندارد، زیرا مقوله سیمای زن ایرانی متفاوت با روسپی‌گری است.

تنها در بخشی کوتاه از این دو پایان‌نامه به مسئله روسپی‌گری اشاره شده است. هاشمی، سلطه را عامل مهمی در تغییرات نامطلوب مفاسد اجتماعی دوره پهلوی می‌داند. وی با بررسی رمان‌های یادشده، حقایق زیادی درباره مسائل و مشکلات موجود در دوره پهلوی اول، علل سکوت زنان و روسپیان آشکار کرده است. لادمخی نیز جدا از موضوع اصلی مورد نظر خود، به مباحثی چون ازدواج، چندهمسری، طلاق و روسپی‌گری هم توجه کرده است. بر این اساس تحلیل مفاسد اجتماعی چون روسپی‌گری و علل و پیامدهای آن در رمان‌های دوره پهلوی، بدیع و تازه است که ماحصل تحقیق می‌تواند در بازشناخت مسئله روسپی‌گری تأثیرگذار باشد و حتی در واکاوی روسپی‌گری در دوره معاصر نیز کاربرد داشته باشد.

زوال و مفاسد اجتماعی در رمان‌های دوره پهلوی

«مفاسد اجتماعی» اغلب تحت تأثیر عوامل مهم و تأثیرگذار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد و قوام می‌یابد. در بدو امر تأکید بر این مسئله

ضروری است که غالب نویسندگانی که آثارشان مورد ارزیابی قرار گرفته، کاملاً در حد و اندازه جامعه‌شناسان ظاهر شده‌اند و جنس نگاهشان با اصول و مبانی مطرح‌شده در جامعه‌شناسی تطبیق دارد. نویسنده‌های یادشده به نقش محیط در بروز مفاسد اجتماعی تأکید دارند، در آثار خود به صورت مستقیم و علنی همچون جامعه‌شناسی تمام‌عیار به تحلیل اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دینی و فرهنگی می‌پردازند و ضمن توصیف شرایط حاکم بر دوران پهلوی، علل و عوامل بروز مفاسد اجتماعی را مطرح می‌کنند. ورود مستقیم نویسندگان به ساحت داستان و مطرح کردن دیدگاه‌های جامعه‌شناسی خود از جنبه ادبی، نقطه قوت کار به حساب نمی‌آید، اما از جنبه علم جامعه‌شناسی این آثار بسیار ارزشمند هستند و همچون اسناد معتبر، روایتگر مفاسد اجتماعی دوره پهلوی می‌باشند. اطلاعات و داده‌های نویسندگان یادشده کمتر رنگ و بوی تخیل دارد و به جرأت می‌توان برای بسیاری از داده‌ها اعتبار و ارزش قائل شد و به آنها توجه کرد.

نویسندگان دوره پهلوی بیشتر بر آن بودند تا وضعیت و شرایط اسفبار جامعه نظام‌گسیخته را ترسیم کنند و به نوعی ثابت کنند که بسیاری از افراد به ظاهر فاسد، بی‌گناه هستند و به خواست و میل خود وارد وادی فحشا نشده‌اند. رمان‌نویسان آن دوران برای دست یازیدن به این هدف، بیشتر توجه خود را معطوف علل و عوامل بروز مفاسد اجتماعی کرده‌اند. در این میان سعی کرده‌اند تا به شرایط زندگی و دغدغه‌های روحی و روانی افراد اغفال‌شده هم توجه کنند.

پیدایش دو داستان تأثیرگذار «تهران مخوف» نوشته مشفق کاظمی و داستان کوتاه «یکی بود یکی نبود» محمدعلی جمالزاده باعث شد تا اسکلت‌بندی و نظام درونی داستان رئالیستی - جامعه‌شناسی در ایران، تغییر بنیادین کند. این دو اثر درخور تعمق خود تحت تأثیر حرکت‌های آزادی‌خواهانه و جریان‌های فکری روشن‌فکری دوران مشروطه و پس از آن خلق شدند. در غالب داستان‌های اجتماعی آن روزگار، فقر و فحشا بیش از هر مضمون دیگری درشت‌نمایی می‌شدند (پارسی‌نژاد و رنجبر، ۱۳۹۷: ۵۷-۵۸). بسیاری از صاحب‌نظران ادبیات داستانی بر این باور هستند که در اولین رمان‌های ایرانی، بیشتر امیدها، آرزوها و رؤیاهای طبقه متوسط طرح شده است. رمان‌های اجتماعی خلق‌شده در ابتدای حکومت پهلوی، گرایش طبقه متوسط به حفظ امنیت و ثبات را نشان می‌دهد (همان: ۶۵).

یکی از نویسندگان شاخص آن دوره، «مرتضی مشفق کاظمی» بود که برای اولین بار به مسائل زنان، خاصه روسپی‌گری توجه خاصی نشان داد. مشفق کاظمی (۱۲۸۱-۱۳۵۶) دانشجوی رشته حقوق بود و در برلین، عضو هیئت‌تحریریه مجله‌های ایرانشهر و نامه فرهنگستان بود. رمان «تهران مخوف»، تصویرگر اوضاع پرتلاطم و بحرانی ایران پیش از به قدرت رسیدن رضاشاه و در آستانه کودتای سید ضیاء است. «در ساعات نخستین سحرگاه سوم اسفند ۱۹۲۱/۱۲۹۹ کلنل رضاخان، فرمانده پادگان نیروی قزاق در قزوین همراه با سه هزار تن از نفرات و هیجده مسلسل، کنترل تهران را در اختیار گرفت. این کودتا که بعدها از آن با نام سوم اسفند آزادی‌بخش و شکوهمند یاد می‌شد، عصر تازه‌ای را در ایران آغاز کرد» (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۲۳). وی به هنگام کودتا، حکومت نظامی اعلام کرد و توانست نیروهای محلی ژاندارمری را شکست دهد^(۱).

پس از مشروطه، اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور نابسامان می‌شود. کشور دچار هرج‌ومرج می‌شود. در اوضاع نابسامان سال‌های جنگ جهانی، یاغیان، گردنکشان، رؤسای ایلات، خان‌ها و مالکان بزرگ، جدای تاخت‌وتاز سیاسی، هر یک برای خودشان خودمختاری داشته و می‌توانستند به اموال و جان و ناموس زیردستان خود دست‌درازی کنند. آنچنان که در برخی مناطق عروس رعیت، شب اول باید در اختیار خان و ارباب قرار می‌گرفته است. در رمان «تهران مخوف» هم نمونه در اختیار قرار دادن عروس در شب زفاف به تصویر کشیده شده است. منتها در این اثر از ارباب دوران گذشته خبری نیست، بلکه جای او را صاحب‌منصبی قدرتمند گرفته است. در نظام حاکم بر آن دوران، هر فردی که قدرت در اختیار دارد، می‌تواند حضرت اشرف باشد (مسکوب، ۱۳۷۲: ۶۳). این لقب بازگوکننده شخصیت و تیپ فرد فرصت‌طلبی است که از قدرت خود سوءاستفاده می‌کند. در چنین شرایطی است که عموم مردم طالب یک قدرت متمرکز و قدرتمند هستند. بنابراین شرایط برای ایجاد یک دولت مقتدر فراهم می‌شود.

در آن دوره خاص، اوضاع سیاسی به گونه‌ای بود که فساد در تمامی دستگاه‌های دولتی رخنه کرده است. آزادی‌خواهان در حبس و زندان به سر می‌برند. در چنین اوضاع و احوالی، یأس و ناامیدی همه جا گسترده شده و همه در پی بروز اصلاحات بنیادین بودند (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۲۶۱-۲۶۲). همین مسئله باعث شد تا در جامعه، ناامنی، دسیسه و

فساد گسترش یابد. در چنین شرایطی، جوانان لایق و شایسته‌ای چون «فرخ» راه به جایی نمی‌برند و پست و مقام‌های دولتی در اختیار آدم‌های پست و فرومایه قرار می‌گیرد که حاضر هستند به طور مثال تازه‌عروس خود را در شب زفاف در اختیار حضرت اشرف قرار دهند. در این اثر خاص به وضوح مشخص می‌شود که تا چه حد قدرت حاکمه می‌تواند در رواج روسپی‌گری نقش مهمی ایفا کند.

در تحلیل محتوای رمان «تهران مخوف» به وضوح فساد حاکم در حکومت مشخص می‌شود. دستگاه فاسدی که یکی از قربانیانش، دختران بی‌گناهی چون عفت هستند که مورد سوءاستفاده جنسی قدرتمندان و اشراف هوس‌باز قرار می‌گیرند. در این دوران پرتنش، نیروهای فاتح نیز ناتوان هستند و کاری را نمی‌توانند صورت دهند. نویسنده که کاملاً به اوضاع و احوال سیاسی کشور اشرف دارد، هیچ روزنه‌ی امید برای برچیدن فساد سیاسی نمی‌بیند. بنابراین در اواخر داستان، خبری از آرمان‌گرایی‌های جریان‌های آزادی‌خواهانه پس از مشروطه نیست. نویسنده در پی آن به انتقاد و گلایه شدید از اوضاع سیاسی ایران می‌پردازد و نواقص و ایرادهای عمده انقلابیون را آشکار می‌کند.

نام رمان هوشمندانه انتخاب شده است. «تهران مخوف» کاظمی، تفاوت چندانی با تهران حقیقی آن دوران ندارد. در این شهر نظام گسیخته، افراد صاحب‌نفوذ برای دستیابی به اهداف خود از هیچ عملی روی‌گردان نیستند؛ چه حضرت اشرف که تازه‌عروسی را در شب زفاف تصاحب می‌کند و چه وزیر کابینه جدید که از قدرت خود برای ارضای امیال شهوانی سود می‌جوید. به باور نویسنده، این نظام سیاسی و اجتماعی حاکم بر دوران است که عملاً زنان را به سمت روسپی‌گری سوق می‌دهد. این روابط نادرست حاکم بر دستگاه دولتی است که به شوهر عفت یاد می‌دهد برای رسیدن به قدرت باید همسر خود را قربانی کند. این سیستم فاسد است که در عمل، بسیاری از مفاسد اجتماعی چون روسپی‌گری، دزدی و فحشا را اشاعه می‌دهد.

در چنین شرایطی بعد از آنکه دختران و زنان ستم‌دیده به سمت روسپی‌گری هدایت می‌شوند، هیچ‌گونه حمایتی از این افراد نمی‌شود تا اینکه عاقبت آنان، فقر، تنهایی و مرگ است. در نظام تعریف‌شده سیاسی دوره پهلوی، هیچ قانون حمایتی برای روسپیان و دختران بی‌پناه وجود ندارد. در این میان تنها فرخ که نماد اصلاح‌طلبی و تحول است،

بر آن می‌شود تا عفت را به کانون گرم خانواده خود بازگرداند. رمان «تهران مخوف» در عمل آینه‌ای تمام‌قد را مقابل دیدگان مردم قرار می‌دهد تا هم چهره حکومت وقت را ببینند و هم چهره زشت و هولناک تهران نمایان بشود.

مرگ مهین، نماد و تمثیل افراد قربانی و بی‌گناهی است که اگر هم تن به روسپی‌گری ندهند، سرنوشت شومی در انتظارشان است. نویسنده با مرگ مهین عملاً قصد دارد تا بگوید که هیچ‌کس را یارای مقابله با جامعه روزگار نیست. مهین عملاً قربانی شرایط نابسامان و اسفبار همین جامعه است. سیاوش میرزا خود نماد آدم‌های فرصت‌طلب است. او از تمام قدرت سیاسی خود استفاده می‌کند تا هم مهین را تصاحب کند و هم اجازه ندهد به آرزوهای خود برسد. در واقع نویسنده از این نماد بهره می‌گیرد تا شرایط نابسامانی را نشان بدهد که باعث و بانی سوءاستفاده برخی افراد صاحب‌نفوذ شده است.

در این اثر، کاظمی عملاً نقاب از چهره تهران برداشته است. تهران از سویی می‌تواند خود نماد تمام شهرهای ایران باشد. فساد و فحشا به تصویر کشیده شده در اثر می‌تواند در تمام شهرهای بزرگ ایران وجود داشته باشد. در چنین شرایطی است که مردم فرصت‌طلب به هر کار نادرستی دست می‌زنند. آنچنان که پدر مهین به اتفاق سیاوش و وزیر کابینه جدید، دسیسه‌ای را طراحی می‌کنند که منجر به تبعید فرخ بی‌گناه می‌شود. آنان در مقطعی از زمان موفق می‌شوند تا اهداف شوم خود را دنبال کنند، اما در نهایت قادر نیستند تا مهین را به ازدواج راضی کنند. این نشانه می‌دهد که گاهی تمام ترفندهای دوران کارساز نیست^(۲).

بالتبع در فضای بحران‌زده و نابسامان آن دوران، ترس و حس ناامنی هم در دل مردم ایجاد می‌شود. حضور قزاق‌ها که هیچ‌گونه گرایش ملی ندارند و نظارتی بر اعمال و زورگویی‌های آنها نیست، ایجاد دلهره و هراس می‌کند. قزاق‌ها در چند مرحله در این اثر نقش ایفا می‌کنند، چه آن زمان که فرخ با یکی از قزاق‌های فرصت‌طلب درگیر می‌شود و چه زمانی که بعدها او با نیروی قزاق وارد تهران می‌شود. ناصرالدین‌شاه درصدد برآمد یک قسمت از سواره‌نظام ارتش ایران را به سبک قزاق‌های روس تربیت نماید (امینی، ۱۳۸۸: ۱۵۴). پیشنهاد ناصرالدین‌شاه با استقبال تزار روس مواجه شد (هوشنگ مهدوی،

۱۳۸۳: ۳۰۰). نیروهای قزاق، نقش مهمی در تاریخ سیاسی و نظامی ایران ایفا کردند و عامل اصلی حفاظت از منافع روسیه در ایران به شمار می‌آمدند (ملائی، ۱۳۷۶: ۱۶۱-۱۸۱). بریگاد قزاق سرانجام با تصرف تهران توسط نیروهای مجاهدین گیلانی و بختیاری دوران استبداد به سر آمد و مشروطه برقرار گردید (بشارتی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۷۹-۱۷۸).

«بعلاوه من چه دارم از قزاق‌ها بترسم. اگر بلشویکی هم می‌شود، بشود و این چندر قاز را که به زحمت زیاد با کرایه دادن اسباب جمع‌آوری کرده‌ام، ببرند» (مشفق کاظمی، ۱۳۴۰: ۴).

ترس و ناامنی در تهران مخوف به اندازه‌ای است که مردم دیگر در خیابان‌ها به راحتی گردش نمی‌کنند و این ترس هم به دلیل حضور قزاق‌ها بوده و هم خطر هجوم بلشویک‌ها. «تعداد گردش‌کنندگان هر لحظه کمتر می‌شد و هر کس به نحوی درباره وضع نامعلومی که در پیش بود، می‌اندیشید. یکی از بابت جواهراتش نگران بود که چگونه از دستبرد شورشیان ایمن نگاه دارد و دیگری در فکر بود که چگونه شخص خود را از چنگال رفتار قزاق‌ها محفوظ نگه دارد» (همان: ۵).

در این اوضاع نابسامان، تاریکی و سکوتی که همه‌جا را فراگرفته، نمادین است. در این فصل، نویسنده قصد دارد تا بگوید که سایه سنگین ناامنی و اقتدارطلبی دولت‌مردان همچون تاریکی بر سطح شهر مستولی شده است. کاظمی با ایجاد فضا سازی نمادین، شرایط را به گونه‌ای آماده می‌کند تا ماجرای تلخ فرخ و مهین رقم بخورد و در پی آن ماجرای سه دختر بی‌گناهی مطرح شود که عاقبت کارشان، تن‌فروشی است.

«کم‌کم سکوت، تهران را فرامی‌گرفت. چون چراغی در خیابان‌ها نبود و بیشتر مغازه‌ها بسته شده بود و بقیه با سرعت درها را پایین می‌کشیدند و به اصطلاح دکان‌ها را تخته می‌کردند» (همان: ۵).

تاریکی، ناامنی ایجاد می‌کند. فقدان چراغ در خیابان‌ها نشان‌دهنده جو ناامن حاکم بر دوران است. از سویی نویسنده با زبان نمادین اشارتی دارد به این مسئله که هیچ روزنه امیدی وجود ندارد تا راهی مقابل دیدگان مردم نمایان باشد. از سویی دیگر فضای ناامن و پردلهره حاکم را نشان می‌دهد؛ زیرا مردم نمی‌دانند حرکت قزاق‌ها برای فتح تهران چه سرانجامی دارد. آنها از بلشویک‌ها می‌ترسند و دل‌نگران هستند از اینکه ایران به دست آنان بیفتد.

کازمی در این اثر با هوشمندی تمام ابتدا فضای مناسب را فراهم می‌کند، سپس به واقعه کودتای بی‌سرانجام می‌پردازد. برای مردم باورپذیر نیست که تمام رجل سیاسی و بانفوذ دستگیر بشوند و آنها بتوانند دست بر شانه آنها بگذارند. در این بخش، خوشحالی مردم از دستگیری رجل سیاسی و اشراف به دقت به تصویر کشیده شده است. در این میان، عده‌ای از مزدوران رجال از ترس پنهان می‌شوند. در ابتدا نویسنده کودتا را کار درست می‌داند و معتقد است مردمی که عمری تحت ظلم رجال بودند، باید هم خوشحال باشند. اما این اتفاق نادر سرانجامی ندارد و چند روز بعد همه آزاد می‌شوند. فرخ که نماد گروه اصلاح‌طلب و انقلابی است، درمی‌یابد کودتای به راه‌افتاده، فرمایشی بوده است. از این‌رو از سیاست کناره می‌گیرد و خانه‌نشین می‌شود.

وی پس از توصیف اوضاع بحران‌زده پیش از کودتا به توصیف جامعه، وضعیت مردم و نوع برخوردشان با هم می‌پردازد. سپس به سروقت نظمیه می‌رود. نظمیه طبق نظر نویسنده باید مکانی برای حفظ امنیت باشد؛ اما در این اثر، محلی است برای ایجاد هراس و جانب‌داری از صاحب‌منصبان. اشرف، نوجوانی بیش نیست و هنوز به بازی مشغول است. وی به دام پسری می‌افتد که پدرش فرد بانفوذ و متولی است. اشرف، یک شب را در خانه مجلل آنها به سر می‌برد. روز بعد که مادر درمی‌یابد چه بر سر دخترش آمده، به کمیسریا شکایت می‌کند. اما متوجه می‌شود که رئیس کمیسریا طرفدار فرد متمول است و با تهدید و ارباب، کاری می‌کند تا مادر فقط با دریافت مبلغی از شکایت خود صرف‌نظر کند (مشفق کازمی، ۱۳۴۰: ۱۸).

در «تهران مخوف»، نقش دولت‌مردان در اشاعه پدیده روسپی‌گری، درشت‌نمایی شده است. در این اثر بر این مسئله تأکید شده که حاکمان و قدرتمندان، هیچ حمایتی از روسپیان نمی‌کردند و به آنها به عنوان وسیله‌ای برای رفع شهوت خود نگاه می‌کردند. مشفق کازمی، برخورد قانون و مأموران کمیسریا با زنان روسپی را به باد انتقاد گرفته است و سعی کرده تا بخشی از شرایط نابهنجار زندگی روسپیان را به واسطه حضور در کمیسری‌ها درشت‌نمایی کند. وی برای اولین بار نه تنها با دقت و ریزبینی خاصی روسپیان و مسائل پیرامون آنها را مطرح می‌کند، بلکه سعی می‌کند بدون جانب‌داری، چهره حقیقی روسپیان را نشان دهد، زیرا تا پیش از این، روسپیان در تصور مردم و

مأموران کلانتری‌ها، زنان پلید و فرصت‌طلبی بودند که فحشا را ترویج می‌دادند. مأموران کلانتری نه تنها از زنان روسپی حمایت نمی‌کنند، بلکه در ارتباط با دختران بی‌گناهی که مورد تعدی جوانان بانفوذ قرار گرفته‌اند، سکوت می‌کنند. لاجرم حمایت نکردن آنها منجر می‌شود تا پای دختران به روسپی‌خانه‌ها کشیده شود.

«جمشید مصباحی» در کتاب «واقعیت اجتماعی و جهان داستان» بر این باور است که رمان «زیبا» نوشته محمد حجازی، مبدأ پیدایش رمان ایرانی است. در صورتی که این اثر تحت تأثیر «تهران مخوف» خلق شده است و بر همگان آشکار است که نه تنها این اثر، بلکه بسیاری از رمان‌های اجتماعی پهلوی اول، گریه‌برداری از این اثر بوده است (عسگری حسنکلو، ۱۳۸۷: ۱۰۸). در رمان «زیبا» نوشته محمد حجازی بیش از همه به فساد سیاسی و قدرت‌طلبی دولتمردان اشاره شده است. افرادی که در مسند قدرت هستند، خود عامل شکل‌گیری بزرگ‌ترین مفاسد اجتماعی هستند. این افراد نه تنها در دستگاه‌های دولتی مشغول منفعت‌طلبی و زد و بند هستند، بلکه ترویج‌دهنده فحشا و فساد نیز می‌باشند.

زیبا، زنی که اهداف بلندمدت و شومی در ذهن دارد، طلبه جوانی به نام حسین را مستمسک قرار داده تا در دستگاه‌های دولتی وارد شود و حافظ منافع او باشد. او که روسپی ثروتمندی است، به واسطه ارتباطی که با صاحب‌منصبی دارد، برای طلبه جوان شغلی در دستگاه دولتی مهیا می‌کند. این در حالی است که جوان طلبه که هیچ اطلاعی از شغلی که به دست آورده ندارد و شخصاً نمی‌تواند وارد دستگاه اداری بشود، به واسطه یک زن روسپی استخدام می‌شود.

«چند روز پیش، آن روز که من مستقیماً برای تقاضای خدمت رفته بودم،

گفتند به موجب بند ج از ماده ۲ متحدالمال مورخه ۴ ثور، استخدام شما ممکن

نیست. امروز به موجب همان بند ج به سمت ریاست دفتر احصائیه منصوب

شده‌ام. با خود می‌گفتم این بند ج چه معمایی است، چه دریای ژرفی است که

خیال من به عمق آن نمی‌رسد. احصائیه چیست؟» (حجازی، ۱۳۴۰: ۵۲).

نمونه مطرح‌شده در این اثر، عمق فاجعه را در ساختار اداری و سیاسی مملکت نشان می‌دهد. فاسد بودن صاحبان قدرت، یکی از مهم‌ترین عوامل از میان رفتن نظام سیاسی، اداری، اجتماعی و فرهنگی کشور به حساب می‌آید. جایی که روسپیان بتوانند در عزل و نصب افراد تأثیرگذار باشند، می‌توان به عواقب و پیامدهای آن در بستر جامعه سیاسی

کشور پی برد. نکته قابل تعمق این است که همین طلبه به ظاهر ساده و باایمان به محض ورود به وزارتخانه، تبدیل به گرگی می‌شود که حاضر است افراد بی‌گناه را از میان بردارد. او که هیچ از علم احصائیه اطلاع ندارد و با کمک فردی به نام پرویزخان بر مسند امور واقف می‌شود، بلافاصله علیه او توطئه می‌چیند تا برکنارش کند.

«پرسید به عقیده شما کدام یکی را باید عارج کرد؟ گفتم پرویزخان را... از

شنیدن این اسم دلم تو ریخت. بی‌اختیار سر را گرداندم و از خجالت آن جوان

معصوم، چشم‌ها را یک لحظه بهم گذاشتم» (حجازی، ۱۳۴۰: ۶۲).

پرویزخان نماد مردم متخصص دلسوز، وطن‌پرست و ایثارگر است. توطئه برای انتقال او از وزارتخانه، حکایت از اوضاع نابسامان حاکم بر ادارات و دوایر دولتی دارد که جایی برای جوانان کوشا و متخصص ندارد.

عباس خلیلی در رمان «روزگار سیاه»، رجال سیاسی بی‌کفایت را عامل بدبختی مردم و فساد اجتماعی می‌داند.

«اگر رجال قول داشتند، اگر غیرت و مروت داشتند، مملکت ما بدین روزگار

سیاه دچار نمی‌شد. این همه فقر و فاقه، این همه فجور و فحشا نمی‌بود» (خلیلی،

۱۳۴۳: ۱۶۶).

در این رمان، ترس والدین از برخورد و دیدار عاشقانه دخترشان با یک پسر که هیچ قصد صدمه زدن به دختر را ندارد، باعث می‌شود تا تصمیم سخت و عجولانه‌ای بگیرند و لاجرم دخترانشان به دامی بزرگ و غیر قابل برگشت بیفتند. تمامی این مصائب بزرگ به دلیل ناآگاهی و پایین بودن فرهنگ حاکم بر کشور است. در رمان‌های ارزیابی شده حتی خانواده‌ها توان کمک و یاری رساندن به دختران خود را ندارند. این ناتوانی گاه به دلیل ترس از رویارویی با هنجارهای جامعه و سنت است و گاه نداشتن قدرت و توان کافی در تقابل با جبر و صاحبان قدرت.

در رمان «فاحشه» نوشته جواد فاضل، جامعه، حکومت، محیط و دولت‌مردان عامل بروز آسیب‌های اجتماعی از جمله مفاسد اجتماعی و مسئول روسپی شدن دختران بی‌گناه شناخته می‌شوند. نویسنده مدعی است که حکومت و جامعه از سویی تلاش می‌کنند تا دختران را به سمت فساد و فحشا بکشانند و از سویی دیگر اگر دختری ناخواسته فریب خورد، همین دولت و جامعه هستند که به جای حمایت از او، طردش می‌کنند.

«آری محیط، جامعه، دولت، حکومت، رژیم اینها، این بی‌شرفها، این بی‌عفت‌ها و بی‌عصمت‌ها، اینها اگر آبرو و شخصیت داشتند، زن را فاحشه به بار نمی‌آوردند» (فاضل، ۱۳۳۲: ۱۲۶).

او مسئولان دولت را عامل گرانی می‌داند و مدعی است به جای بالا رفتن قیمت‌ها دولت باید سطح فرهنگ مردم را بالا می‌برد و کاری می‌کرد تا ایرانیان به ارزش نفس خود پی می‌بردند. فاضل معتقد است که با پایین آمدن قیمت‌ها، جوانان می‌توانند راحت‌تر ازدواج کنند. او حتی پیشنهاد ازدواج اجباری را برای جوانان عزب مناسب می‌داند و این راه را برای کاهش روسپی‌گری مناسب می‌داند.

در رمان «باشرف‌ها» نوشته عماد عصار نیز نقش سیاست و دولت‌مردان در بروز فساد اجتماعی و پدیده روسپی‌گری، درشت‌نمایی شده است. تمام مردان فرصت‌طلب، خود را فردی باشرف می‌دانند، اما در عمل بی‌شرف هستند. پری که بسیار آگاه است و خوب مردان شهوت‌پرست را می‌شناسد، باز به دام آنان می‌افتد و عاقبت روسپی می‌شود. او ابتدا با جوانی آشنا می‌شود که مدام به او وعده ازدواج می‌دهد، اما در عمل جوان، نقش طعمه را بازی می‌کند تا دختر را در اختیار نماینده مجلس، آقای گاف قرار دهد. این فرد صاحب‌منصب که از قدرت و نفوذش در دستگاه دولت استفاده می‌کند، برای دختران بی‌گناهی چون پری، دام نهاده و پس از تعدی به آنان، با قدرتی که در اختیار دارد، دختران را می‌ترساند و اگر هم دختری چون پری شجاعت پیدا کند و به مأمور کلانتری شکایت کند، تازه به دام آن مأمور افتاده و پس از سوءاستفاده مکرر، روسپی می‌شود^(۳).

مفاسد اجتماعی و بیان اوضاع اجتماعی و فرهنگی دوره پهلوی به روایت رمان‌نویسان

پس از مشروطه، زنان و مسائل پیرامون زنان به عنوان موجود اجتماعی وارد ساحت ادبیات داستانی شدند و تبدیل به شخصیت اصلی رمان‌های اجتماعی می‌شوند. در این دوران چهره زن که در شعر کلاسیک در نقش معشوقه همواره ظاهر می‌شد و چهره گنگی داشت، تبدیل به یک چهره اجتماعی، حقیقی و باورپذیر می‌شود (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۵۵).

جدای از فساد دستگاه‌های دولتی، جامعه نیز به دلیل پایین بودن سطح فرهنگ، باورها و هنجارهای نادرست، در بروز مفساد اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند. در رمان «تهران مخوف»، مهین که زن آگاه و بادرایتی است، به خوبی می‌داند که نمی‌تواند برخلاف سنت‌ها و باورهای اشتباه قد علم کند و همین باعث می‌شود تا علی‌رغم میل خود به این نظام تن دهد. و آلا سرنوشت او همچون سرنوشت عفت می‌شد که به دلیل فساد حاکم بر حکومت، مجبور به تن‌فروشی می‌شود. با وجود این مهین علی‌رغم تمام سنت‌های مذهبی و اجتماعی، با فرخ همبستر می‌شود و از او صاحب فرزندی می‌شود (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۲۶۲).

توجه به این مسئله ضروری است که پس از واقعه مشروطه، تحولات فرهنگی بزرگی اتفاق می‌افتد که نگرش زنان را تغییر می‌دهد. مهین در رمان «تهران مخوف» با زنان نسل قبل از خود تفاوت دارد. او چون زنان گذشته در پی خرافات نیست و از زندگی توقع بیشتری دارد. او به عنوان انسانی آگاه، متوجه حق و حقوق شهروندی خود شده است، اما توان رسیدن به خواسته‌های خود را ندارد و نمی‌داند چگونه باید به ابتدایی‌ترین نیازهای خود دست یازد. او همچون اسیر خانواده‌ای است که هیچ حق انتخابی را برایش در نظر نمی‌گیرند (مسکوب، ۱۳۷۲: ۵۶). در آن دوران دختر می‌بایست کاملاً تحت فرمان پدر و خواسته‌های او باشد. دختر حق انتخاب ندارد. بر این اساس تا رضایت پدر جلب نشود، دختر حق ازدواج با مرد مورد علاقه خود را ندارد. دختران آن ایام نه تنها برای زندگی خود حق انتخاب نداشتند، بلکه در کلیه فعالیت‌های سیاسی چون رأی دادن و فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نمی‌توانستند نقشی ایفا کنند (معاون هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۴).

یکی از مشکلات بزرگ پدیدآمده در آن دوران، بروز شکاف بزرگ فرهنگی پس از تجددگرایی رضاشاه است. پدر و مادر مهین دارای باورهای منفعت‌طلبانه‌ای و سنتی هستند که جوانان بعد از مشروطه، خاصه نسل دوران پهلوی، این باورها را مردود می‌دانند و همین اختلاف فرهنگی بزرگ باعث می‌شود تا دخترانی چون مهین از فرمان پدر سرپیچی کنند. اما از آنجایی که توان رسیدن به ایده‌آل‌های خود را ندارند، زندگی‌شان نابود می‌شود. این در حالی است که پیش از این ممکن بود حتی به ذهن

دختران نرسد که حق و حقوقی دارند و لاجرم کارشان به تمرد علیه قوانین سخت و بی‌رحمانه والدین، همسر و جامعه نمی‌کشید.

روسی‌خانه در «تهران مخوف»، نماد تمام‌عیار جامعه فاسد است و نویسنده صرفاً درصدد توصیف این مکان نیست. این در حالی است که تهران نوپاست و به شکل ناهمگونی در حال رشد است و می‌رود تا به هیولایی تمام‌عیار تبدیل شود. ورود مخاطب به روسی‌خانه عملاً این فرصت را به نویسنده می‌دهد تا بسیاری از مشکلات جامعه چون فقر، اختلاف طبقاتی، بی‌قانونی، شقاوت و ظلمی را که جامعه فاسد و ناهمگون به مردم بی‌پناه روا می‌داشتند، مطرح کند (مسکوب، ۱۳۷۲: ۶۲).

تغییر منش فرخ از جلد اول به جلد دوم در واقع تغییر دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی رمان از مشروطه تا دوره رضاشاه را نشان می‌دهد. فرخ که با کودتاگران ۱۲۹۹ وارد ایران می‌شود، گمان می‌کند ریشه ظلم ستمگران برچیده می‌شود، اما بلافاصله با سرنگونی سید ضیاء، همه دستگیرشدگان آزاد و انقلابیون زندانی می‌شوند. فرخ که در ابتدا بسیار پرشور وارد عرصه سیاست شده، بعد از به قدرت رسیدن رضاشاه به خود می‌آید. او درمی‌یابد در بستر جامعه سیاسی و اجتماعی کشور، هیچ تلاشی به ثمر نمی‌رسد (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۵۹).

در «تهران مخوف» اشارت ظریفی می‌شود به زنانی که اجازه رقص در نمایش‌ها را نداشتند و مردان مجبور بودند در نقش زنان برقصند. رقص مردان در لباس زنان بیانگر وضعیت اجتماعی و فرهنگی است. در آن دوران زنان اجازه رقص در صحنه نمایش را نداشتند و در عوض انبوهی از فساد و فحشا در شهر وجود داشته است. همانانی که عرف و قانون را تعیین می‌کردند و به طور مثال اجازه نمی‌دادند زنان در نمایش حضور داشته باشند، خود فاسد بودند و به زنان و دختران معصوم چشم داشتند. در لایه‌های زیرین این رویداد، نکته دیگری را نویسنده قصد دارد مطرح کند و آن وجه نمادین ماجراست. مردان تمام خصلت‌های مردانه قدیم خود را از دست داده‌اند و انگاری لباس زنانه بر تن کرده‌اند. در واقع نویسنده می‌خواهد بگوید که دیگر از آن روحیه مردانگی خبری نیست. مرام مردانه که مبتنی بر جوانمردی، خوش‌قولی و وفای به عهد بود، دیگر وجود ندارد و دیگر آنان مردان گذشته نیستند. در چنین شرایطی است که دیگر اعتماد جمعی وجود ندارد.

در دوران نابسامان آن روزگار، یکی از مسائل اجتماعی بزرگی که به نوعی باعث بی‌اعتمادی می‌شود، عوام‌فریبی است که میان مردم رایج بوده است. در همان ابتدای داستان «تهران مخوف»، نویسنده اشاره به مردی می‌کند که تهریش گذاشته تا عوام‌فریبی کند.

«یکی از آنان که اندام بلندی داشت و تهریش برای عوام‌فریبی و یا به منظور

دیگر گذاشته بود» (مشفق کاظمی، ۱۳۴۰: ۳).

«این مردم خود درونشان را نشان نمی‌دهند، اگر هم لبخند بر لب می‌زنند،

لبخندشان مصنوعی است» (همان: ۴).

رمان «روزگار سیاه» تحت تأثیر رمان «تهران مخوف» خلق شده است. در این اثر نیز چهره زشت و فاسد تهران به نمایش گذاشته شده است. در داستان، دو طبیب در فضای طنزآمیز بر سر تشخیص علت بیماری زن روسپی با هم صحبت می‌کنند. خلق این فضای جدل‌آمیز به نوعی نشان‌دهنده وضع اسفبار اجتماعی دوران است. نوعی سردرگمی و بی‌هویتی اجتماعی دوران در این صحنه غم‌انگیز به نمایش گذاشته شده است. این سردرگمی و گیجی در جای‌جای جامعه بی‌هویت رخنه کرده است و همین نظام اجتماعی از هم گسیخته است که باعث می‌شود تا معضلات بزرگی چون روسپی‌گری، دامن دختران جوان بی‌پناه را بگیرد. در این اثر به وضوح نشان داده شده است که جامعه، ظرفیت همیاری زنان بی‌سرپرست و دختران را ندارد. زن روسپی که در بستر بیماری است، علت روسپی شدن دختران بی‌گناه و بروز فساد و فحشا را جامعه می‌داند و مدعی است هیچ دختری از ابتدا نه روسپی بوده و نه تمایلی به این کار داشته است. او مدعی است اگر از همان بدو تولد، فرد روسپی باشد که طبیعت مقصر است، والا جامعه یا به تعبیر راوی داستان، محیط کثیف عامل اصلی فساد و فحشاست.

«خواه انسان بالطبع منزه و خواه فاجر باشد، من اگر بالطبع فاحشه بودم که

آن گناه طبیعت بی‌شعور بوده و گر نبودم و شدم که آن گناه محیط بوده،

محیطی که تمام عناصر آن برای ربودن عفت و شرف دام گسترانیده، محیطی

که به تربیت حقیقی اخلاقی تمتع نکرده، محیطی که تمام بدبختی‌های مادی و

معنوی را برای زنان اندوخته، چنین محیطی حقا که او مقصر است. مرا چه گنه. مرا چه باک» (خلیلی، ۱۳۴۳: ۶۸).

در این اثر، زن روسپی، مردم و جامعه را مقصر می‌داند که از سویی به جبر او را روسپی کرده و از سویی به او انگ فاحشه‌گری می‌زند.

«ای مردم ایران! والله به من ظلم کردید. فحشا را به من پرتاب نمودید و مرا فاحشه خواندید. روز خوشی ندیدم. فصل خرمی مشاهده نکردم. آنچه دیدم و به دست آوردم، همه تباهی و همه سیه‌روز کاری، همه مرض و همه محنت و همه فقر و دربه‌دری» (همان: ۶۹).

در این داستان، زن روسپی به نکته مهمی اشاره می‌کند. دختر در دوران جوانی عاشق پسری می‌شود و کار آنها به معاشقه می‌کشد. به گفته دختر در منتهای عفت، آنان به هم نزدیک می‌شوند. زن می‌گوید هر دو با هم یک کار را کردیم، اما جامعه هیچ برخوردی با پسر نداشت و تمام تقصیرها را به گردن دختر انداخت. جامعه سنتی تنها دختر را مقصر می‌داند که باید لکه ننگ را بر دامن خود حس کند و پسر دچار هیچ مشکلی نمی‌شود.

«من مقصر نیستم. محیط ایران مقصر و جانی است» (همان: ۹۵).

در رمان جواد فاضل، نویسنده در بخش پایانی رمان خود همچون نظریه‌پرداز اجتماعی وارد میدان شده و ایرادها و نقایص جامعه ایرانی زمان خود را مطرح می‌کند. جالب این است که بسیاری از آسیب‌های اجتماعی مطرح‌شده در آن دوران، همچنان در بستر جامعه ایران وجود دارد. او بار دیگر صاحبان قدرت را عامل اصلی بروز چنین آسیب‌هایی می‌داند. وی بر این باور است که دنیای جدید، نسل نو می‌خواهد و فرهنگ ایرانی با توجه به تحولات بزرگ جهانی، نسلی نو پرورش نمی‌دهد. در این راستا، نویسنده والدین را هم مقصر می‌داند.

«این گناه پدر و مادرهاست که در ملتقای دو مد، مد قدیم و مد جدید قرار

گرفته و چون نمی‌توانند پایه‌پای کبک راه بروند و روش خود را هم از یاد برده‌اند، ناچارند زاغ‌صفت، جست و خیز بردارند و پیش همه‌کس خود را مسخره کنند» (فاضل، بی‌تا: ۱۴۲).

در رمان «باشرف‌ها» نوشته عماد عصار، شرایط نابهنجار غیر اخلاقی حاکم بر جامعه در قالب داستانی نمادین به تصویر درآمده است. در این اثر، افراد شهوت‌پرست به صورت ضرب‌دوری با یکدیگر رابطه نامشروع برقرار می‌کنند. هدف نویسنده از طرح این معضل در قالب نماد، درشت‌نمایی انحراف اخلاقی و فساد در جامعه متلاطم و بیمار است. در این میان پری که به ظاهر تمایل به ازدواج دارد، علی‌رغم آگاهی و شناخت این جامعه منحرف، دچار وسوسه قدرت و ثروت مردان می‌شود و در این بازی می‌بازد. خسرو از طرفی به پری وعده ازدواج داده، اما در عمل می‌خواهد او را در اختیار آقای گاف قرار دهد. آقای گاف، خسرو را روانه خانه‌ی وزیر می‌کند. خسرو با زن وزیر معاشقه می‌کند. خود وزیر با زن دیگری همبستر می‌شود. از طرف دیگر آقای گاف با زن شوهردار دیگری به نام مارگریت هم رابطه دارد. توصیف چرخه روابط نامشروع بسیار هوشمندانه ترسیم شده است و بیانگر جامعه‌ای است که هم افراد را به انحراف می‌کشاند و هم به افراد هوس‌باز میدان می‌دهد. نویسنده، حضور زنان در میهمانی‌ها را یکی از عوامل از دست رفتن عفاف و پاکدامنی زنان می‌داند.

«تفریحات شب» نیز تحت تأثیر «تهران مخوف» مشفق کاظمی و «زیبا» اثر حجازی خلق شده است. در بخشی از این رمان، مراکز فساد شهر تهران به تصویر کشیده شده است. شخصیت‌های اصلی رمان، معلمی کم درآمد است که بهره‌مند شدن از زنان را حق مسلم خود می‌داند، زیرا معتقد است که جوانان باید امیال شهوانی خود را آرام کنند و از آنجایی که از بضاعت کافی برای ازدواج برخوردار نیستند، مجبور هستند به سراغ تن‌فروشان بروند. راوی هرچند با نگاه تحقیرآمیزی به روسپیان نگاه می‌کند و بهره‌مند شدن از آنان را حق مسلم جوانان می‌داند، به اوضاع نابسامان اجتماعی و نقشی که آموزش و پرورش برای رفع بحران‌هایی از این دست می‌توانسته ایفا کند، نگاهی انتقادی دارد. مسعود همه‌جا نکبت می‌بیند و آن را به شرایط فرهنگی-اجتماعی ربط می‌دهد. او از نظام آموزشی که جوانانی مانند خودش را به بار آورده و مدارس که دختران را فقط و فقط برای خانمی تربیت می‌کنند و اگر از راه مشروع خانم نشوند، قطعاً از این راه خودشان را به خانمی می‌رسانند، انتقاد می‌کند... نگاه مسعود تبعیض‌آمیز است و همان‌طور که گفته شد، همین امر جلیلی را به نوشتن رمان «من هم گریه کرده‌ام» وامی‌دارد (ر.ک: مهاجر، ۱۳۸۵).

بسیاری از نظریه‌پردازان جامعه‌شناس چون «مارکس»، «انگلس»، «ساترلند» و «بارت» به مسئله فقر و نقش اقتصاد در پدیده روسپی‌گری توجه نشان داده‌اند. فقر و محرومیت به زعم غالب پژوهشگران، عامل اصلی گرایش به روسپی‌گری است (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۸: ۲۰۶). مشکل اقتصادی در رمان «تهران مخوف»، اولین عامل مهمی است که سبب می‌شود میان فرخ و مهین فاصله ایجاد شود. خانواده مهین، ثروتمندان تازه به دوران رسیده‌ای هستند که اجازه نمی‌دهند عشق پاک دو جوان به سرانجام برسد. روزگار به کسب‌وکار پدر مهین که به جز پول به چیز دیگری عقیده نداشت، رونقی داده بود (مشفق کاظمی، ۱۳۴۰: ۶۲). در رمان «معصومه شیرازی» نیز دختر پس از اینکه در طی سفر، پدر و مادر خود را از دست می‌دهد، گرفتار افراد شهوت‌پرستی می‌شود که او را به روسپی‌گری می‌کشانند. در این اثر، دختر نه پولی برای بازگشت به شهر خود دارد و نه سرپناهی. اگر با مرد خیری مواجه می‌شد، می‌توانست به شهر خود بازگردد و با نامزد خود ازدواج کند. اما نداشتن پول باعث می‌شود تا به تاجری پناه ببرد و در پی آن پس از هتک حرمت، دیگر قادر به بازگشت نباشد.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این تحقیق، تحلیل محتوای پدیده روسپی‌گری در رمان‌های دوره پهلوی بوده است. تحقیق یادشده برگرفته از دو رشته تخصصی جامعه‌شناسی و ادبیات است. در این تحقیق سعی شده تا از منظر رمان‌نویسان عهد پهلوی، آسیب بزرگ اجتماعی مفسد اجتماعی بررسی شود. آثار آنها در قالب ادبیات داستانی تدوین شده است، اما آنچنان که توقع می‌رود، به این ژانر ادبی وفادار نبودند؛ زیرا ساختار درونی و بیرونی آثار یادشده، نقایص عمده‌ای دارد.

نویسندگان یادشده بیشتر تمایل داشتند تا همچون جامعه‌شناسی تمام‌عیار با ارائه نمونه‌های متعدد از مفسد اجتماعی دوره خود به تحلیل و واکاوی پدیده تن‌فروشی و نقشی که تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در کشیده شدن دختران به روسپی‌گری و سایر مفسد ایفا کرده‌اند، بپردازند. این نویسندگان گاه از فضای داستانی فاصله گرفته، خود به تحلیل مستقیم اوضاع حاکم بر دوره پهلوی و تأثیری که بر

سرنوشت دختران بی‌پناه می‌گذاشته می‌پرداختند. توجه به این مسئله ضروری است که تا پیش از شکل‌گیری مشروطه و حتی پس از آن، ادبیت آثار داستانی علی‌رغم گرایش به ساده‌نویسی به‌هیچ‌وجه مطرح نبوده است. در واقع ادبیات صرفاً برای بیداری مردم ایران به کار گرفته می‌شده است. در آن دوران، نقد ادبیات کلاسیک نیز بر اساس تحولات بنیادین رخ داده صورت می‌پذیرفت. تا پیش از مشروطه اگر تمام هم‌نویسندگان، مصروف نوشتن برای طبقه خواص بود، بعد از رویداد مشروطه و پس از آن، نوشتن برای عموم مردم، هدف اصلی نویسندگان می‌شود.^(۴)

نویسندگان داستان‌های اجتماعی دوره پهلوی، بیشتر به مسائل اجتماعی زمانه خود همچون گونه‌های مختلف مفاسد توجه خاصی نشان می‌دادند. آنان توانمندی لازم برای ریشه‌یابی عمیق بروز مفاسد اجتماعی نداشتند. با این حال ضمن روایت زندگی دختران بی‌گناهی که به دلیل شرایط نابسامان زمانه و حضور افراد فرصت‌طلب به وادی فساد کشیده می‌شدند، تنها به برخی علل بروز مفاسد اشاره می‌کنند. در رمان‌های منتخب در این تحقیق که حول محور مفاسد اجتماعی در دوره پهلوی خلق شده‌اند، به عوامل مهمی چون «ازدواج اجباری و زود هنگام»، «طلاق»، «کم‌تجربگی، ناآگاهی و بی‌سوادی دختران»، «سنت و خرافات»، «نقش‌آفرینی فکلی‌ها در اغفال دختران»، «فقر و بیکاری»، «یکنواختی زندگی و عدم فعالیت‌های اجتماعی زنان»، «پایین بودن سطح فرهنگی جامعه و نهاد خانواده»، «عدم حمایت قانون»، «زیبایی زنان»، «میهمانی‌های خواص»، «جاه‌طلبی دختران» و «خیابان و محله‌های خاص» اشاره شده است.

در رمان اجتماعی، زنان فاسد تنها نمایندگان قشر زنان نبودند. در بسیاری از آثار، زنان عادی در بستر داستان حضور دارند، جزئی از جامعه به حساب می‌آیند و تنها ایفاگر نقش معشوقه نیستند. در این قبیل داستان‌های اجتماعی، زنان شخصیت اصلی را شکل می‌دهند، هرچند این قبیل آثار هم از جنبه ساختاری ضعیف بودند. جدای از این، نویسندگان رمان‌های اجتماعی به منظور دست‌یازیدن به اهداف خود و به منظور اصلاح جامعه به عنصر شخصیت توجه نشان دادند. آنها بر آن بودند تا از تیپ‌های خاصی چون روسپیان استفاده کنند؛ تیپ‌هایی که به تدریج در داستان‌های اجتماعی عامه‌پسند به کلیشه مبدل شدند. در این راستا داستان‌نویسان آن عصر که با اصول شخصیت‌پردازی حرفه‌ای و علوم روان‌شناختی آشنا نبودند، تنها توانستند به خلق شخصیت‌های ساده بدون

ابعاد شخصیتی و کشمکش‌های درونی پیچیده اقدام ورزند. نویسندگان آن دوران، در مصاف با حوادث داستانی، اصرار به رعایت اصول مستندسازی و واقعیت‌مانندی داشتند. در پایان اشاره به این نکته ضرورت دارد که شرح اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوران پهلوی از دست‌آوردهای مهم آثار یادشده است. نویسندگان مطرح گاهی در مقام منتقد اجتماعی-سیاسی در بستر داستان ظاهر می‌شوند و به طور مستقیم و آشکار، دیدگاه‌های خود را مطرح می‌کنند. از این‌رو بررسی آثار داستانی یادشده بسیار اهمیت دارد و می‌تواند ضمن تشریح اوضاع و احوال دوره پهلوی، توصیفگر فساد اجتماعی دوره پهلوی باشد.

پی‌نوشت

۱. رضاخان همچنين با نیروی محلی پلیس شهر تهران نیز درگیری مختصری داشت. او به احمدشاه اطمینان داد که برای نجات او از خطر بلشویک‌ها به چنین کاری دست زده است. پس از فتح تهران، رضاخان، سید ضیاء طباطبایی روزنامه‌نگار را به سمت نخست‌وزیری گمارد (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۲۴).
۲. آگاهی از موقعیت اجتماعی و انسانی زن پس از انقلاب مشروطه حاصل شد و پس از دوران پرتلاطم جنگ جهانی اول، شتابی تازه گرفت. در این میان نویسندگان تحت تأثیر شرایط حاکم، هر کدام بر آن شدند تا چهره جامعه بیمار زمانه خود را ترسیم کنند. آنها درد را می‌بینند و بر آن هستند تا به درستی نشانش بدهند (مسکوب، ۱۳۷۲: ۶۰).
۳. با ورق زدن صفحات تاریخ می‌بینیم که در تمامی دوره‌های تاریخی، دولت‌مردان و حاکمان بوده‌اند که پنهان و آشکار، بیشترین بهره جنسیتی، اقتصادی و سیاسی را نصیب خود کرده‌اند. آنچنان که سلسله ژو (jou) در چین، روسپیان را وامی‌دارد تا از دولت‌مردان و تاجران پذیرایی کنند و باعث رونق اقتصاد چین بودند. در ژاپن نیز بیش از ۳۰۰۰ روسپی در محله‌ای مشخص میزبان مردان بودند (علیایی زند، ۱۳۹۵: ۲۷۵).
۴. از نخستین ویژگی‌های ادبیات مشروطه، چه در نظم و چه در نثر، گرایش آن به سادگی بود. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، جدا شدن ادبیات از دربارها و خروج آن از انحصار طبقات ممتاز از یکسو و مخاطب قرار گرفتن توده مردم از سوی دیگر، زبان ادبی را به سادگی کشاند. تغییر کارکرد ادبیات نیز از مدیحه‌سرایی و وقایع‌نگاری زندگی شاهان و بزرگان به پیام‌رسانی و آگاه‌سازی توده‌ها در جنبش‌های مردمی در گرایش زبان ادبی به سادگی، نقشی بسیار مؤثر داشت.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹) «تاریخ ایران مدرن»، مترجم محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشرنی.
- آرین پور، یحیی (۱۳۷۲) «از صبا تا نیما»، سه مجلد، تهران، زوار.
- امینی، علیرضا (۱۳۸۸) تحولات سیاسی اجتماعی ایران از قاجاریه تا رضاشاه، تهران، قومس.
- بشارتی، محمدعلی (۱۳۸۰) از انقلاب مشروطه تا کودتای رضاخان، ج ۱، تهران، سازمان تبلیغات و فرهنگ اسلامی.
- پارسی نژاد، کامران و حمیرا رنجبر عمرانی (۱۳۹۷) ادبیات داستانی در ایران (پهلوی اول): از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰، تهران، علمی - فرهنگی.
- جمال زاده، سید محمدعلی (بی تا) معصومه شیرازی، تهران، بی نا.
- حجازی، محمد (۱۳۴۰) زیبا، تهران، کتاب های جیبی.
- حریری، نجلا (۱۳۹۶) اصول و روش های پژوهش کیفی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- خلیلی، عباس (۱۳۴۳) روزگار سیاه، تهران، کتابخانه کاوه.
- عسگری حسنگلو، عسگر (۱۳۸۷) نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی، تهران، فرزانه.
- عصار، عماد (۱۳۵۷) باشرفها، تهران، امیرکبیر.
- علیایی زند، شهین (۱۳۹۵) عوامل زمینه ساز تن دادن زنان به روسپیگری، از کتاب «آسیب های اجتماعی ایران»، انجمن جامعه شناسی ایران، تهران، آگه.
- فاضل، جواد (۱۳۳۲) فاحشه، تهران، معرفت.
- فلور، ویلهلم (۲۰۱۰) تاریخ اجتماعی روابط سکسی در ایران، ترجمه محسن مینو خرد، استکهلم، فردوسی.
- مسعود، محمد (۱۳۸۵) تفریحات شب، تهران، تلاوتنگ.
- مشفق کاظمی، مرتضی (۱۳۴۰) تهران مخوف، تهران، ابن سینا.
- (۱۳۴۰) تهران مخوف، یادگار یک شب، جلد دوم، تهران، ابن سینا.
- مدنی قهرخی، سعید (۱۳۹۸) «جامعه شناسی روسپیگری»، تهران، کتاب پارسه.
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۷۲) «قصه پر غصه یا رمان حقیقی»، کلک، شماره ۴۵، ص ۶۰.
- معاون هاشمی، مریم (۱۳۸۹) «سیمای زن در رمان های اجتماعی ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ شمسی»، پایان نامه، دانشگاه پیام نور بجنورد.
- ملائی، علیرضا (۱۳۷۶) «بریگاد قزاق ایران»، صحنه های از مداخلات لجام گسیخته روسیه در ایران، مجله تاریخ و فرهنگ معاصر، سال ششم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان.
- مهاجر، فیروزه (۱۳۸۵) «بحث روسپی گری در ادبیات معاصر فارسی»، نشریه الکترونیکی ایران امروز.

میرعابدینی، حسن (۱۳۷۷) صد سال داستان‌نویسی ایران، ج ۱، تهران، چشمه.
هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۳) تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ
دوم جهانی، امیرکبیر، تهران.

Maxwell, J, A (1996) Qualitative research design: An interactive approach.
Thousand Oaks, Ca: Sage

